

تاریخ: ۱۳۹۴/۰۷/۲۰

کلاس پرونده: ۴۵۲/۹۱

شماره پرونده: ۹۱۰۹۹۸۰۹۰۰۰۰۰۹۹۱

شماره بایگانی:



برس تعالی

پیوست

مدیریت محترم کل دبیرخانه شورای نگهبان

دبیرخانه شورای نگهبان

شماره ثبت: ۹۴۱۲/۳۷

تاریخ ثبت: ۱۳۹۴/۹/۳

کد پرونده

ساعت ورود:

با اهداء سلام:

بازگشت به نامه شماره ۵۰۳۰۲/۳۰/۹۲ مورخ ۱۳۹۲/۰۲/۲۳ به پیوست تصویر دادنامه

شماره ۸۵۱ مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۰۷ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری جهت اطلاع و اقدام مقتضی

ارسال می شود./

دبیر هیات عمومی دیوان عدالت اداری

تهران-خیابان بهشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری تلفن ۸-۵۶۰۹۰۳۱



تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پیوست:

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

بسم الله الرحمن الرحيم

شماره دادنامه: ۸۵۱

تاریخ دادنامه: ۱۳۹۴/۷/۷

کلاس پرونده: ۴۵۲/۹۱

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکیان: آقای محمدباقر عامری نیا به وکالت از آقایان: ۱- علی اکبر جمشید ۲- مصطفی اوجی ۳- محمود رحمان پور ۴- شاپور فرمانی ۵- شهرام همت شعار ۶- سید محمدهادی شریف سعدی ۷- سید مصطفی شریف سعدی ۸- پرویز فیروزی فردجهرمی ۹- جعفر قلی خانی ۱۰- رمضانعلی بیطرف نوبندگانی ۱۱- روح اله حسن پور

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۱ مصوبات مورخ ۱۳۸۹/۱/۳۰ شورای تامین شهرستان شیراز

گردش کار: آقای محمدباقر عامری نیا به وکالت از موکلین خویش به موجب دادخواستی ابطال بند ۱ مصوبات مورخ ۱۳۸۹/۱/۳۰ شورای تامین شهرستان شیراز را خواستار شده و در جهت تبیین خواسته اعلام کرده است که:

" با سلام و آرزوی توفیقات روز افزون، احتراماً به وکالت از شکات فوق الذکر به عرض می رسانم که موکلین که همگی کسبه صنف طلا در شهر شیراز می باشند و از تاریخ دریافت پروانه کسب با رعایت مقررات قانونی و بدون هرگونه مشکلی به کار کسب (طلا فروشی) مشغول شده اند. اما اخیراً شورای تامین شهرستان شیراز ظاهراً بر مبنای گزارش و اعلام برخی مراجع انتظامی دائر بر عدم توان تامین امنیت آنها و بیم وقوع سرقت و یا جرائم دیگر علیه طلافروشان (موکلین)، ان هم ناشی از تاثیر پذیری از چند حادثه سرقت از مغازه طلافروشی، در یک تصمیم شاید

خیابان هشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری

دیوان عدالت اداری
۹۰۰۰/۲۲۰/۱۰/۵

گفتاری

۹۴/۸/۴



تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پست:

فلا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

عجولانه و غیر کارشناسی شده و مغایر با حقوق شهروندی و صرفاً سازگار با خواسته نهاد انتظامی، دستور پلمپ شدن محل کسب موکلین و لغو پروانه کسب و فعالیت آنها را در مغازه هایشان صادر و گویی آنان را ملزم به انتقال محل کسب خود به مرکز شهر (مثلاً بازار زرگرها) را می نمایند که ظرف چند روز گذشته برخی از مغازه ها پلمپ و بقیه نیز در آستانه تعطیلی قرار دارند.

بر این تصمیم شورای تامین، ایرادات کاملاً جدی وارد است، چرا که از جهات عدیده ای خلاف قانون، شرع و حقوق شهروندی است: اولاً: این تصمیم غیر ضروری بوده و یکی دو یا حتی چند حادثه سرقت در شرایطی خاص و مقطعی از قسمتی از جغرافیای شهر، موجب نمی شود که تصمیمی این چنین با رویکردی دائمی اتخاذ شود، اتفاقاً سارق تلافروشی فوق اشاره توسط عوامل معزز امنیتی دستگیر و سپس مجازات و از آن تاریخ تاکنون کمترین جرم مشابهی و هیچ گونه سرقتی از تلافروشیهای حتی مستقر در حومه شهر و روستاها گزارش نشده و از امنیت کاملاً برخوردار است. ثانیاً: بر فرض که در آن مقطع زمانی این تصمیم مفید و یا ضرورت داشته باشد اکنون ضرورتی ندارد و ادامه آن حتی همین توجیه ذوقی را نمی پذیرد ولی متأسفانه به این نکته توجه نفرموده اند. ثالثاً: این تصمیم اساساً خارج از حدود اختیارات و وظایف شورای تامین می باشد و معلوم نیست چرا مبادرت به اتخاذ تصمیمی خارج از حیطه اختیارات قانونی خویش کرده اند. توضیح این که: این تصمیم با هیچ یک از بندهای قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور مصوب ۱۳۶۲/۶/۸ که ماده ۷ آن ناظر به شورای تامین شهرستان می باشد منطبق نمی باشد و هیچ گونه مقررات دیگر که چنین اختیاری به این شورا داده باشد وجود ندارد و از طرفی می دانیم سلب حق مالکانه و یا محدود کردن آن امری است خلاف قاعده و کاملاً استثنایی که خروج از این قاعده نیازمند نص صریح قانون است که در مانحن فیه منتفی است.

استدلال به عمل آمده در متن تصمیم مایه تعجب است، زیرا مطابق این استدلال (مسئله سرقتهای مسلحانه و خطر

سارقین)، می باید آن شورا تصمیمی اتخاذ می کردند تا سارقین و افراد مجرم در محدودیت قرار گیرند نه این که

بر ابواب اصل است
رئوس مدیر دفتر هیئت عمومی

دیوان عدالت اداری
۹۰۰۰۰/۴۲۰۰۱۰/۵

یابان نخست (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

افراد در مظان آسیب یا مجنی علیهم را محدود و در بند نماییم. عجباً، این تصمیم با کدام منطق حق نگر سازگاری دارد که ما بیاییم به جای فراهم کردن امکانات ممهد امنیت، صورت مسئله را پاک نماییم و دارندگان حق را از حقتشان محروم نماییم آنها را از حق تمتع مالکانه محروم کنیم و نام آن را اقدام قانونی در راستای ایجاد امنیت گذاریم. مثلاً قادر به تامین امنیت یک محله نباشیم، اهل محله را ملزم به ترک کاشانه خود نماییم. رابعاً: برخلاف استدلال آن شورا، مغازه های موکلین در حاشیه شهر قرار ندارد، بلکه در جاهای کاملاً پرجمعیت و حتی بعضاً در نزدیکی کلانتری محل قرار دارد، این در حالی است که اطلاع داریم حتی در برخی از روستاها و یا بخشهای دور از مرکز شهرستان مغازه های طلافروشی وجود دارد و بدون ممانعت مراجع انتظامی فعالیت دارند. خامساً: در خصوص تصمیم موضوع شکایت از اول نیز همراه با تردید بوده است و حتی حسب سابقه موجود ابتدا پیشنهاد تامین هزینه نگهبان مسلح از سوی مراجع امنیتی به موکلین داده شد که این تصمیم عملی نشد. که این امر نشان از وجود نوعی تردید در این باره دارد. سادساً: اگر این تصمیم در جهت حمایت از حقوق موکلین و در راستای حفظ جان و مال آنان می باشد به عرض می رسانم که موکلین خود را در امنیت کامل می بینند و راضی به این گونه حمایت نمی باشند زیرا در اثر این حمایت، خسارات غیر قابل جبرانی به آنها وارد می شود که اگر بودند نشان فرضاً در منطقه احتمالی آسیب سارقان باشد، رفتنشان موجب ضرر حتمی و مسلم است، زیرا آنان قادر به تهیه مکان و خرید یا اجاره مغازه در مرکز شهر نمی باشند و حتی معلوم نیست به تعداد آنها مغازه موجود باشد به علاوه آنان در طول سالیان فعالیت خود با کسب وجهه و شهرت کاری و حرفه ای پیدا کرده اند، که در صورت عملی شدن نظر شورای تامین همه اینها را از دست خواهند داد و اگر هدف از این تصمیم مجازات سارقین باشد! که حال و وضع این مدعا واضح است و خنده دار و اگر هدف از آن توسعه امنیت در سطح شهر باشد! که گمان نمی رود این استدلال محکمه پسند باشد، زیرا این تصمیم کاملاً ناقض امنیت است. زیرا امنیت شغلی صاحبان حرف را از آنها سلب و با این تصمیم خسارت فراوان به آنان وارد نموده ایم. گمان نمی رود. قضات دیوان عدالت اداری راضی به چنان امنیتی در قبال چنین سلب امنیتی باشند. **تتبعاً بحمد الله فعلا** که موکلین و سایر کسبه از شر سارقین مسلح در امان اند. اما اگر فرضاً، احساس

بر ابراهیم است

دیوان عدالت اداری

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

بی‌امنی‌تی شود راههای دیگری که همان راهها وظیفه مراجع انتظامی و امنیتی است وجود دارد. جا دارد شورا به جای انتخاب راهی که حاکی از ضعف عوامل امنیتی خواهد بود و مضر به حال شهروندان، به وظیفه قانونی خود عمل و نوک قلم تصمیم و دستور را متوجه آنان با فراهم کردن زمینه‌های لازم، نمایند. ثامناً: مطابق اصول متعدد قانون اساسی و موازین شرعی دال بر احترام به حقوق افراد و نظر به اینکه موکلین با تحمل هزینه‌های زیاد و طی مراحل مختلف نسبت به اخذ پروانه کسب و تهیه مغازه‌های مزبور، اقدام کرده‌اند، ادامه فعالیت آنها حق مسلم آنهاست. لذا این تصمیم از هر جهت خلاف بین قانون و غیر قابل توجیه است. لذا تقاضای ابطال آن را از محضر قضات دیوان عدالت اداری دارند.

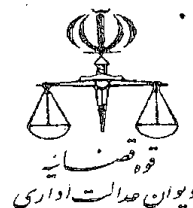
اما در خصوص تقاضای صدور دستور موقت مبنی بر جلوگیری از اجرای تصمیم مزبور تا تعیین تکلیف نهایی پرونده باید به عرض برسانم که در صورت اجرای دستور شورای تامین مبنی بر لغو پروانه کسب موکلین و پلمپ شدن مغازه‌های آنها (که متأسفانه با سرعت در حال انجام است) هم حیثیت و آبروی موکلین در نظر انظار عمومی مخدوش می‌شود که به هیچ وجه قابل جبران نخواهد بود و هم لحظه‌لحظه تعطیلی محل کسبشان موجب ورود خسارات مادی فراوانی به آنها می‌شود. لازم به یادآوری است که غالب مغازه‌های مزبور اجاره‌ای است و موکلین ناچارند طبق قرارداد اجاره و تعهدی که دارند حتی در صورت تعطیلی مغازه‌ها نیز اجاره‌بهای آن را پرداخت نمایند که این خود تحمیل خسارت مضاعف خواهد بود.

از سوی دیگر اجرای تصمیم مزبور هیچ‌گونه فوریتی ندارد و عواقب سوئی در عدم اجرای آن متصور نیست. علی‌هذا نظر به مراتب معنونه فوق، وضوح اشتباه در اتخاذ تصمیم مزبور، تقاضای صدور دستور موقت بر توقف اجرای تصمیم موضوع شکایت را داریم."

متن بند یک مصوبات مورد اعتراض به قرار زیر است:

بر ابراهیم است

مدیر دفتر هیئت عمومی نمایان بهشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری
دیوان عدالت اداری
۹۰۰۰۰/۴۴۰/۱۰/۵



تاریخ: ۱۳۸۸

شماره:

پیوست:

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

" بند ۱ مصوبات:

با توجه به سرقت‌های مسلحانه از طلافروشیها در سال ۱۳۸۸ (۸ فقره) که احساس نگرانی و نا امنی را در سطح جامعه ایجاد نموده است و با عنایت به این که برخی واحدهای طلافروشی به صورت پراکنده در سطح شهر قرار داشته و فعالیت می نمایند و استقرار و فعالیت آنان در مناطق حاشیه ای و بعضاً آلوده مورد طمع سارقین و مجرمین است لذا رئیس پلیس اطلاعات و امنیت استان اسامی واحدهای طلافروشی مذکور را به اداره نظارت بر اماکن عمومی فرماندهی انتظامی استان اعلام و اداره اماکن از طریق کمیسیون نظارت بر اصناف نسبت به رد صلاحیت انتظامی محل و نهایتاً ابطال پروانه فعالیت و انسداد طلافروشیهای فوق اقدام و نتیجه را به شورای تامین شهرستان اعلام نماید."

شاکي در پاسخ به اخطار رفع نقص صادر شده از سوی دفتر هیأت عمومی، به موجب لایحه ای که به شماره ۱۰۲۹-۱۳۹۱/۵/۲۴ ثبت دفتر هیأت عمومی شده، دلایل مغایرت مصوبه با شرع مقدس اسلام را اعلام کرده است. در همین راستا با شورای نگهبان مکاتبه شد و قائم مقام دبیر شورای نگهبان به موجب نامه شماره ۹۲/۳۰/۵۰۳۰۲-۱۳۹۲/۲/۲۳ اعلام کرده است که:

" رئیس محترم هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع بند یک مصوبه مورخ ۱۳۸۹/۱/۳۰ شورای تامین شهرستان شیراز، در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۲/۱۸ فقهای معظم شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نظر فقهای معظم به شرح ذیل اعلام می گردد:

چون شورای تامین شهرستان موارد خاصی را به دلیل عدم امکان تامین آن برای نیروی انتظامی از موارد ابطال پروانه تشخیص داده است و این موارد نیز مشخص است، فلذا مصوبه مزبور خلاف موازین شرع شناخته نشد."

علی رغم ارسال نسخه ثانی دادخواست و ضامنه آن برای طرف شکایت، تا زمان رسیدگی به پرونده در هیأت عمومی دیوان عدالت اداری هیچ پاسخی از طرف شکایت واصل نشده است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۱۳۹۴/۷/۷ با حضور رئیس و معاونین دیوان عدالت اداری

مدیر دفتر هیأت عمومی

دیوان عدالت اداری
تهران، خیابان بهشت (ضلع جنوبی پارک شهر) دیوان عدالت اداری

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا دادنامه

و رؤسا و مستشاران و دادرسان شعب دیوان تشکیل شد و پس از بحث و بررسی با اکثریت آراء به شرح زیر به صدور رأی مبادرت کرده است.

رأی هیأت عمومی

اولاً: نظر به این که به موجب نامه شماره ۵۰۳۰۲/۳۰/۹۲-۱۳۹۲/۲/۲۳ قائم مقام دبیر شورای نگهبان بند ۱ مصوبه مورخ ۱۳۸۹/۱/۳۰ شورای تامین شهرستان شیراز توسط فقهای محترم شورای نگهبان خلاف شرع تشخیص نشده است، بنابراین موجبی برای ابطال بند یک از این حیث وجود ندارد.

ثانیاً: به موجب اصل ۴۷ قانون اساسی، مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است و مطابق ماده ۳۰ قانون مدنی، هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد مگر در مواردی که قانون استثناء کرده باشد. نظر به این که بند ۱ مصوبه مورخ ۱۳۸۹/۱/۳۰ شورای تامین شهرستان شیراز مبنی بر ابطال پروانه فعالیت و انسداد طلافروشیهای مناطق حاشیه ای شهر به بهانه احتمال سرقت، حقوق مالکانه اشخاص موضوع مصوبه را سلب کرده و موجب تضییع حقوق مکتسبه آنان شده است، بنابراین مصوبه مذکور خلاف قوانین صدرالذکر است و از حدود اختیارات شورای تامین خارج است و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

محمد جعفر منتظری

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

برابر اصل است
مدیر دفتر هیئت عمومی
دیوان عدالت اداری
۱۳۹۲/۱۰/۵